



نقد نظریه گفتاری بودن زبان قرآن / تفسیر قرآن از زمان پیامبر(ص) بوده است

در نشست «نقد و تحلیل نظریه گفتاری بودن زبان قرآن» منتقدین با رد ادعای صاحب نظریه تأکید کردند که زبان قرآن گفتاری است اما گفتاری بودن قرآن به این معنا نیست که مخاطبان خاصی دارد.

در نشست «نقد و تحلیل نظریه گفتاری بودن زبان قرآن» منتقدین با رد ادعای صاحب نظریه تأکید کردند که زبان قرآن گفتاری است اما گفتاری بودن قرآن به این معنا نیست که مخاطبان خاصی دارد.

به گزارش خبرنگار مهر، نشست «نقد و تحلیل نظریه گفتاری بودن زبان قرآن» امروز دوشنبه 28 بهمن ماه با حضور دکتر جعفر نکونام، دکتر مجید معارف و حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمدعلی‌ایازی در دانشکده الهیات دانشگاه تهران برگزار شد. در ابتدای این نشست دکتر جعفر نکونام دانشیار دانشگاه قم به تبیین نظریه خویش موسوم به «خطابی بودن زبان قرآن» پرداخت و گفت: قرآن در واقع القاء پیام الهی از زبان جبرئیل به پیامبر(ص) به زبان عرف عام آن زمان است که گفتاری، خطابی، عرب حجازی و بر مقتضیات زمان و مکان پیامبر(ص) و به قصد هدایت نازل شد. منظور از خطابی بودن زبان قرآن این است که قرآن به نحوه سخنرانی خطیبان عرب زمان پیامبر(ص) نازل شد.

پیامهای قرآن عمدتاً عام و کلی است

در ادامه و حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمدعلی‌ایازی از اساتید برجسته علوم قرآنی و مدرس درس خارج حوزه به نقد مطالب دکتر نکونام پرداخت و گفت: بحث «نظریه خطابی بودن زبان قرآن» را از 15 سال پیش دکتر نکونام در مجله قرآن و حدیث دانشگاه قم مطرح کردند و من در شماره بعد این نظریه را نقد کردم. ایشان فهرستی از ادعاهایی را ارائه کردند که برای پاسخ به رؤوس چیستی مسئله اشاره می‌کنم.

وی افزود: ما صراحتاً با آنچه دکتر نکونام بیان می‌کنند، موافق نیستیم و ادعاهای ایشان را با توضیحاتی که خواهیم داد، قابل قبول نمی‌دانیم. ما منکر گفتاری بودن قرآن نیستیم بلکه ما آن نوع تلقی که از گفتاری بودن قرآن می‌شود به این معنی که مخاطب خاص دارد و خطاب پیامبر(ص) فقط برای آن جمع محدود آن زمان است را محل اشکال می‌دانیم و با لوازمی که این سخن دارد مخالفیم. لازمه این مدعای ایشان چیست؟ معنایی که آقای نکونام از گفتاری بودن زبان قرآن ارائه می‌کنند به این معنی است که خطاب قرآن خاص است نه عام. یعنی فقط برای عرب حجازی آن زمان آمده است، و این سخن محل مناقشه است. در حالیکه در قرآن پیامهایی داریم که عمده آنها پیامهای کلی است.

این استاد دانشگاه تأکید کرد: نکته بعدی این است که ممکن است مفاهیمی که قرآن بیان فرموده مصداق مشخصی داشته باشد اما این نیست که محدود به آن مصداق مشخص باشد مثل آیه فستلوا اهل الذکر... که ایشان اهل ذکر را یهود و نصارا می‌داند در حالیکه اهل ذکر می‌تواند افراد معاصر هم منظور باشد. نکته بعدی این است که ایشان می‌گویند وقتی خطابهایی قرآن، قرائن معین و مخاطب خاص دارد به این معنی است که ایشان تفسیر قرآن به قرآن را به عنوان یک متن یک پارچه را رد می‌کند.

قرآن یکی از منابع تشریع است

حجت الاسلام ایازی تأکید کرد: ما معتقدیم که پیامبر(ص) می‌دانسته مخاطبش محدود به عصر و زمان نیست و فراتر از زمان است. دکتر نکونام می‌گویند قرآن کتاب تشریع و تقنین نیست. بلکه درست است قرآن مثل توضیح المسائل نیست اما قرآن یکی از منابع تشریع است. ادبیات گذشته بر گفتار بوده است حتی کتاب «جمهور» افلاطون محاوره ای است، یا تورات و انجیل و اساساً ادبیات گذشته ما گفتاری بوده است.

در ادامه دکتر معارف به نقد دیدگاه دکتر نکونام در «نظریه خطابی بودن زبان قرآن» پرداخت و گفت: زبان گفتاری متفاوت از زبان نوشتاری است، چه در بین عام و چه در بین دانشمندان. از نمونه های امروزی این مسئله زبان گفتاری شهید مطهری و یا دکتر شریعتی است که سخنرانی های ایشان به همان نحو که بیان شده به چاپ رسیده است که البته هر دو این بزرگواران آثار نوشتاری نیز دارند.

این استاد علوم قرآنی دانشگاه تهران با بیان اینکه مدعای دکتر نکونام در گفتاری و خطابی بودن زبان قرآن، از تحلیل دو پایگاه عرفی بودن زبان قرآن و تاریخمندی قرآن ناشی می‌شود، افزود: ما در بحث گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن در واقع مقایسه ای بین شکل گیری قرآن به عنوان یک متن خالی از تحریف با دیگر کتب آسمانی می‌کنیم. من ادله نوشتاری بودن قرآن را بر گفتاری بودن آن به دلایلی ترجیح می‌دهم. قرآن کریم مخاطب عام دارد مثل یاایها الناس، یاایها الانسان، یا بنی آدم و... و در دل این مخاطبان عام گاهی گزینش می‌کند مثل یاایها الذین آمنوا، یا اولی الالباب، یا لقوم یتفکرون و... اولوالالباب همان عربهای حجاز بودند و البته پیامبر با کمک قرآن آن عربها را متحول کرد.

با اعتقاد به عرفی بودن زبان قرآن در واقع پنبه یکسری از علوم قرآن زده می‌شود

دکتر معارف یادآور شد: آقای نکونام با اعتقاد به عرفی بودن زبان قرآن در واقع یکسری از علوم قرآن مثل محکم و متشابه، بحث

عام و خاص، بحث ظاهر و باطن، بحث اجمال و تبیین، اعجاز علمی و ... را رد می کند. آیا شما منکر اخبار قرآن از غیب هستید؟ خیر. با شناختی که از شما دارد معتقدم که شما بر اخبار قرآن از غیب باور دارید. من مثل طنطاوری نیستم که همه چیز را به هم بچسبانم بلکه به مانند حضرت امیرالمؤمنین(ع) معتقدم که القرآن ظاهر عمیق و باطنه عمیق .

در ادامه دکتر نکونام در مقام تبیین مبانی نظریه خطابی بودن زبان قرآن گفت: بنده با ارائه این نظریه در واقع از حرمت و ساحت و قداست قرآن دفاع می کنم و بسیاری از آنچه دوستان گفتند را ناشی از سوء فهم می دانم. قرآن زبانش خطابی است و اینها همه لوازم زبان خطابه ای است و همه اینهایی که در تعریف اولیه عنوان کردم با خطابی بودن زبان قرآن ملازمه دارد.

مخاطبان قرآن توده مردم عرب عصر نزول هستند/ بر اثر زمان ما نیازمند تفسیر شدیم

این استاد علوم قرآنی دانشگاه قم گفت: من معتقدم مخاطبان قرآن توده مردم عرب عصر نزول هستند. گزاره های عام مثل «یاایهاالانسان و غیره در قرآن به معنی این نیست که مخاطب قرآن عام است بلکه مثل این است که من به یک نفر مثلا می گویم «هر انسانی که خودش را غنی ببیند طغیان می کند» و مخاطب من آن فرد است اما دلیل نمی شود که افراد دیگر از این کلام استفاده نکنند. قرآن برای هر عصر و نسلی قابل فهم است و قرآن دارای بطون است اما درپچه ورود به قرآن این است که با آن زبانی که قرآن نازل شده است، آشنا شویم و آن را بفهمیم و قرآن را به زبان عصر نزول درک کنیم. شما برای فهم قرآن سراغ فلسفه، عرفان و یا علوم تجربی می روید و به زور آن را به قرآن نسبت می دهید در حالیکه ما معتقدیم اینها قرین فهم قرآن نیست بلکه قرین فهم قرآن آشنایی با زبان عصر نزول است.

وی تأکید کرد: برای اینکه بفهمیم قرآن خطابی است یا خیر، به سراغ خود قرآن برویم و بین خطابه های آن زمان و قرآن مقایسه کنیم. با مطالعه متوجه می شویم که قرآن خطابه ای است و یکی از ویژگیهای خطابه این است که جملاتی گسیخته از قبل و بعد (مثلا در سوره قیامت) وجود دارد و زبان خطابه ای موضوعات متفرقه می تواند داشته باشد مثل خطبه های نماز جمعه و آنچه که همه موضوعات مورد اشاره خطیب را به هم پیوند می دهد اقتضایی است که در ایراد کلام بوده است. در واقع قرآن حاشیه ای بر متن فرهنگ جاهلی است و آنچه که مورد تأیید بوده را امضا و یا تکمیل کرده است و آنچه باطل و خرافه بوده را رد کرده است.

نکونام در ادامه گفت: تفسیر قرآن عرضی است نه ذاتی چون بر اثر زمان ما نیازمند تفسیر شدیم اما در آن زمان نیاز به تفسیر نبود والا وجود تفسیر قرآن در آن زمان خلاف فصاحت و بلاغت قرآن می شود. در این زمان ما نیاز به تفسیر قرآن به قرآن داریم اما در زمان نزول مخاطب نباید سرگردان شود و الفاظ قرآن برای مخاطب آن زمان ملموس بوده است.

سخنان دکتر نکونام دارای تناقض است

حجت الاسلام دکتر ایازی در ادامه، سخنان دکتر نکونام را دارای تناقض دانست و گفت: ایشان از یک طرف می گوید قرآن مخاطبش عرب خاص جاهلی است و از طرفی قرآن را جاودانه می خواند. ایشان می گوید وجود جملات معترضه از علائم خطابی بودن است در حالیکه اصلا جمله معترضه محدود به خطابه نیست و الان آن را به صورت پاورقی در کتابها می بینیم و جملات معترضه به عنوان یک روش طبیعی در میان اهل بلاغت وجود داشته است. اینکه ایشان می گوید وجود جمله معترضه دلیل بر خطابی بودن قرآن است را رد می کنیم. ایشان می گوید پراکندگی موضوعات قرآن ناظر به خطابی بودن قرآن است در حالیکه هر کتابی که می خواهد ابعاد هدایت تربیتی خود را دنبال کند موضوعات مختلف را می آورد که از جمله قرآن، البته مقایسه قرآن با دیگر کتابها درست نیست اما برای روشن شدن بحث، این مطلب را عنوان می کنم.

وی تأکید کرد: عمده قرآن تناسب نزول ندارد و شاید 250 آیه قرآن از بیش از 6 هزار آیه تناسب نزول داشته باشد. آیا امام صادق(ع) و دیگر ائمه اطهار مخاطب قرآن نیستند؟ شما می گویید مردم مدینه هم مخاطب قرآن نبودند چه رسد به امام صادق(ع). در حالیکه امام صادق(ع) و ائمه دیگر چقدر با آیات قرآن استدلال می کردن یا پیامبر(ص) وقتی در مدینه بودند از آیات مکی برای مردم می خواندند در حالیکه به صراحت شما مدعی هستید که مخاطب مکه غیر از مخاطب مدینه است. دکتر نکونام ادله ای که برای این نوع مخاطب فرض کرده اند، اخص از مدعا است و استدلالهایی که ایشان بیان کرده است برای اینکه بگوید قرآن مخاطب خاص دارد چیزی است که آن طرفش هم صادق است و نمی توان این ویژگیها را مختص مخاطب خاص داشتن قرآن دانست.

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: معتقدیم که قرآن گفتاری است اما گفتاری بودن قرآن به این معنا نیست که مخاطبان خاصی داشته باشد. پیامبر(ص) آن پیام را با طرح تدوین شده علم الهی مرحله به مرحله بیان کردند و در زمان خود پیامبر(ص) ایشان تفسیر موضوعی می کند و برای مخاطب از آیه دیگر شاهد می آورد تا معنای آیه روشن شود و تفسیر صرفا مختص دوره های بعد نبوده است.

تعلیم از جنس تبیین و تفسیر است/ از زمان پیامبر(ص) تفسیر قرآن وجود داشته است

در ادامه دکتر معارف در رد شواهدی که نکونام در توضیح ادعای خود طرح کرد، با اشاره به آیاتی از قرآن کریم گفت: خداوند در قرآن خطابه های عام دارد که فراتر از اعراب جاهلی دوران پیامبر(ص) است و ما این نصوص قرآن را نمی توانیم رد کنیم و بگوییم صرفا مخاطبان قرآن به اعراب زمان نزول قرآن محدود می شوند. ما منکر این نیستیم که برای فهم قرآن باید به سراغ فرهنگ آن عصر برویم اما فهم فرهنگ آن عصر یکی از چند منبع فهم قرآن است که این سیره مفسران ما بوده است. قرآن درباره قوم حضرت موسی(ع) می فرماید: فاتیاه فقولاً انا رسول ربك فارسل معنا بني اسراييل و لا تعذبهم.. یا درباره حضرت عیسی(ع) می

فرماید: وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ... اما آیا یکبار در قرآن داریم که یاایهاالعرب؟ خطابه های قرآن از اول به یک جنس و یک قوم نبوده و خطابه ها عام است. پیامبر اسلام درباره قرآن دو مأموریت داشتند یکی یتلواعلیهم آیاته و دیگر یعلمهم الکتاب و الحکمه. تعلیم از جنس تبیین و تفسیر است. همان زمانی که آیه حج نازل می شود از .. والله علی الناس حج البیت من استطاع... از پیامبر(ص) سؤال می کنند که استطاع چیست و پیامبر پاسخ می فرماید و یا درباره برخی از آیات از پیامبر سؤال می شود. در پایان این نشست به دلیل طولانی شدن نشست، دکتر نکونام مخاطبان را به آثار خویش که به موضوع «خطابی بودن زبان قرآن» می پردازد ارجاع داد.